

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH19K825251

ISSN-P: 2676-6442

موضع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

نسبت به حق ارتباطات

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۲۹)

نازیلا بدخانی^۱

کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

ارتباط پایه و اساس تشکیل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است. در زمان‌های دور انسان‌ها از طریق برقراری ارتباط با یکدیگر به تبادل افکار و اندیشه‌های خود اقدام و بدین ترتیب پایه‌های فرهنگ و تمدن جوامع بشری را ایجاد کردند. در تداوم این روند، انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر به راه‌های گوناگونی متوسل شدند و وسایل ارتباطی گوناگون را ابداع کردند. با پیشرفت جوامع و تمدن‌ها، راه‌های برقراری ارتباط بین انسان‌ها و ابزارهای ارتباطی نیز تحولات بسیاری یافت. اختراع زبان، خط، چاپ، تلگراف، تلفن و وسایل ارتباط جمعی همانند مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون سیر تحول و ابزارهای برقراری ارتباط بین انسان‌ها را نشان می‌دهد که در هر مرحله نسبت به مرحله ماقبل خود تکامل یافته‌تر شده است. اما امکانات ارتباطی عصر حاضر قابل قیاس با هیچ یک از ابزارهای ارتباطی گذشته نیست و در نتیجه قوانین و مقررات ارتباطی گذشته پاسخ‌گو نیازهای عصر حاضر نبوده و مقررات تازه‌ای را می‌طلبند. امروزه تحقق حقوقی مهمی چون حق حیات یا حق تعیین سرنوشت بدون برخورداری از حق ارتباطات به طور کامل میسر نیست، نظر به ظهور ابزارهای نوین ارتباط جمعی در دنیای کنونی و تمایل بیش از پیش دکترین حقوق بشری کشورهای پیشرفته به تحقق این نسل از حقوق بشر، به بررسی زمینه‌های تحقق نسل چهارم حقوق بشر در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، توجه شود.

واژگان کلیدی: حق، حق ارتباط، قوانین موضوعه، حقوق ارتباطات، قوانین ارتباطی

بخش اول: مفهوم شناسی واژه های مرتبط با حق ارتباط

تبیین و تحلیل علمی و استدلالی یک پدیده، نهاد، ساختار و کار گزار در علوم اجتماعی از لحاظ روش شناختی، مستلزم شناخت حاصل کردن صحیح و واقعی از مفاهیم، شاخص ها و متغیرهای دخیل در آن پدیده، نهاد، ساختار و کار گزار است، و با توجه به نسبی بودن و تعدد تعاریف و تفاسیر مفاهیم، ضروری می نماید.

۱- حق

حق می تواند در یکی از این پنج معنا به کار برده شود:

۱. هر گونه امتیاز با منافع که قانون آن را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می کند.

۲. اختیاری برای دارا شدن حق و اهلیت برای استیفای آن است.

۳. اعمال آزادانه هر گونه اختیاری که به موجب قانون کسب شده است.

۴. حق داشتن در مقابل تکلیف داشتن قرار می گیرد.

۵. حق بودن که در برابر حق بودن و باطل بودن در برابر باطل نبودن قرار می گیرد.^۱

۲- ارتباط

فرآیند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده به شرط همسان بودن معانی بین آنهاست، این فرایند قادر است در تمامی گستره زمانی و مکانی شکل گیرد.^۲ هنگامی که به یک انگاره ارتباطی می نگریم،

^۱ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۶، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ص ۲۲ و ۲۳.

^۲ [Http://dadgostary-Tehran.ir](http://dadgostary-Tehran.ir)

ارتباط کامل زمانی برقرار می‌شود که سلسله مراتب ارتباطی از فرستنده تا گیرنده به وسیله عوامل انسانی با فنی، دچار اختلال - قطع با وقفه نگردد و نیز به معنای خود پیام - معنا و مفهوم، نظر، اندیشه، کنش، فعل، حرکت و غیره.^۱

۳- حق ارتباط

حق انسان برای برقراری ارتباط عبارت است از نفع یا امتیاز افراد برای دسترسی همه جانبه به مکانیسم ارتباط و ابزارهای آن است، که قانونگذار به طور ضمنی با صریح آن را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می‌کند.^۲

بخش دوم: ارتباطات و حقوق ارتباطات

۱- ارتباطات

ارتباطات جمع کلمه ارتباط است و آن عبارت از انتقال و ارسال و دریافت هرگونه پیام یا محتوا اعم از علائم، نوشته، تصویر، صدا و نظایر آن با استفاده از سیستم‌های کابلی، رادیویی، توری، الکترو مغناطیسی و با هر فناوری دیگر به استثنای پخش رادیو و تلویزیون اعم از زمینی با ماهواره ای است.

^۱ دادگران، سید محمد، ۱۳۹۴، مبانی ارتباطات جمعی، تهران: انتشارات فیروزه، ص ۲۳ و ۶۹.

^۲ میرعمادی - طاهره، ۱۳۹۷، مبانی حقوق ملی و شهروندی در فضای تبادل اطلاعات، تهران: نشر موسسه توسعه علوم

۲- حقوق ارتباطات

حقوق ارتباطات بررسی و مطالعه قوانین و مقررات حاکم بر حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات می باشد.^۱ حقوق ارتباطات، مجموعه حق هایی است که در بردارنده دو رکن آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات دستگاه های عمومی و دولتی می باشد، پاره ای از صاحب نظران تحقق این دو حقی را در گروی بهره مندی همه افراد از امکانات و تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات دانسته اند و رکن دیگری را به عنوان "حق دسترسی همگانی به فناوری اطلاعات و ارتباطات" معرفی نموده اند که آنرا رکن سوم حقوق ارتباطات قلمداد کرده اند.

بخش سوم: حقوق شهروندی و حق ارتباط

حق شهروندی خود بخشی از حقوق بشر است و آن، مجموعه حقوقی است که به تنظیم روابط فردی و اجتماعی افراد یک قلمرو سیاسی در فضای تبادل اطلاعاتی می پردازد و شامل حقوق جزایی، حقوق مالکیت فکری، حریم خصوصی، حفاظت از داده ها، تجارت الکترونی، بانکداری الکترونی و حقوق عمومی سایبری مانند حق دسترسی و حق آزادی بیان (حق گردش آزاد اطلاعات و ارتباطات) می باشد. در ضمن به نظر می رسد که "حق حضور" در این میان به عنوان جوهره اصلی کلیه حقوق ارتباطی و اطلاعاتی بوده و آن معادل حق حیات در زندگی واقعی است که چه در سطح ملیو چه در سطح شهروندی کاربرد دارد.^۲

^۱ بر دبار، محمد حسن، سایت پژوهشگاه علوم انسانی، نشر شرکت پویندگان دنیای ارتباطات (پویا سافت - کلبه تعاریف).

^۲ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ص ۲۳۱.

بخش چهارم: موضع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نسبت به حق ارتباطات

نظر به اینکه مطبوعات و سایر رسانه‌های همگانی، علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت زندگی جمعی در دنیای معاصر محسوب می‌شوند و علاوه بر ابقای وظایف آگاهی‌رسانی، آموزش دهی هشدار سازی و فراغت‌آوری مخاطبان، مهم‌ترین عوامل تحقق حق ارتباط برای افراد جامعه بوده و در عین حال نقش واسطه و میانجی بین مردم و دولت و همچنین بین گروه‌های مختلف اجتماعی را هم به عهده دارند و به موازات این وظایف و نقش‌ها، نوعی نظارت‌گری و انتقادنگری بر قوای مملکتی و عملکردهای دولتی را نیز دارا هستند، آزادی فعالیت آن‌ها، یکی از آزادی‌های بنیادی جوامع کنونی شناخته شده است و تأمین و تضمین آن بر مبنای قوانین اساسی و ابزارهای حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای، به عهده دولت‌ها و گذار گردیده است.

۱- موضع قانون اساسی نسبت به حق ارتباط

پیرامون حتی ارتباط شهروندان باید حق دسترسی به صادقانه‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی را داشته و آزادی مطبوعات، چاپ، نشر و ایجاد موسسات انتشاراتی جزء لاینفک اینگونه آزادی‌هاست. شاید این مفهوم فقهی در اینجا به کار آید که اذان در شیء اذن در وسایل و مقدمات آن نیز دارد. باید تا جای ممکن، سانسور مطالب ممنوع باشد و توسط قوانین و مقررات سنجیده‌ای اجازه داده نشود تا روزنامه، هفته‌نامه‌ها و ماه‌نامه‌ها به قدرت‌های مالی وابسته شوند. باید مقررات دقیق و همه‌جانبه‌ای در باره نیرومندترین وسایل ارتباط جمعی، یعنی رادیو و تلویزیون، البته در چهار چوب حقوق و آزادی‌ها تدوین گردد.^۱

^۱ قاضی، ابوالفضل، ۱۳۹۸، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر، ص ۱۶۳.

در دنیای حاضر، مطبوعات را رکن چهارم آزادی و دموکراسی می دانند زیرا واکنش های مردم هنگام انتخابات و همه پرسی و تصمیم گیری های مهم منوط به آزادی مطبوعات و دسترسی شهروندان به واقعیت های اخباری است.^۱ اگر بخواهیم تقسیم بندی کلاسیک مصادیق حقوق بشر را در قالب حقوق نسل اول، دوم و سوم با حقوق منفی و مثبت مورد توجه قرار دهیم می با پست حق بهره مندی از اطلاعات و حتی ارتباط را از حقوقی دانست که نیازمند تعهد دولت در جهت تحقق بیشتر و بهتر آن باشد. پس این حق در دسته حقوقی مثبت قرار می گیرد که دولت را موظف به فراهم نمودن وسایل و زمینه های اعمال این حق می سازد.^۲ این مسائل در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. اصل مذکور مقرر ساخته است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور مورد نظر در این اصل و از جمله «بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر، ...» «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» «..تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و ... مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به کار برد. همین طور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات را به عنوان یکی از ابزارهای مهم تحقق حق ارتباط، در بیان مطالب آزاد می گذارد و بر مبنای آموزه های دینی، آزادی را به عنوان یکی از پایه های اعتقادی نظام سیاسی به رسمیت شناخته و به چهره های متفاوت آن تصریح کرده است. یکی از اصول مهم در خصوص آزادی بیان در مطبوعات، اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که طبق آن «نشریات و

^۱ دوررژه موريس، ۱۳۹۸، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۲۸ تا ۳۱۰.

^۲ حبیبی، محمد حسن، ۱۳۸۲، بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی، فصلنامه حقوق اساسی، سال

مطبوعات در بیان مطالب آزاداند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. این اصل، ضمن آنکه «آزادی بیان» و به عنوان قاعده‌ای مسلم و غیر قابل خدشه را بنیان نهاده است، بر محدود بودن آن نیز تأکید کرده است. اخلال در میانی اسلام با حقوق عمومی تعبیری است که در اصل ۲۴ برای بیان کلی ممنوعیت‌ها به کار گرفته شده است. درباره مفهوم اصطلاحاتی که برای بیان مرزهای آزادی بیان مطبوعات در قانون اساسی به کار رفته است (واژه‌های «اخلال»، «مبانی اسلام»، و «حقوق عمومی») گفتگوهای علمی فراوانی وجود دارد. اما آنچه در عمل پایان بخش این اختلاف‌های نظری است و کار را آسان می‌کند، بیان مصداق‌ها و موارد آنها در قوانین عادی است؛ زیرا در انتهای اصل مذکور و همچنین ضمن مذاکرات مربوط به آن تصریح شده است که «تفصیل آن را قانون معین می‌کند». این مصداق در بند بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اصل دیگری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق ارتباط مربوط می‌شود، اصل ۱۷۵ قانون اساسی است که بر اساس آن در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائی‌ها مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را نیز قانون معین می‌کند. شورای نگهبان قانون اساسی در نظریه تفسیری خود، سیاست‌گذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است را از اختیارات اختصاصی مقام رهبری دانسته و به عبارت دیگر نظر به اهمیت موضوع، تأمین حقوق مذکور برای آحاد جامعه را در صلاحیت بالاترین مقام سیاسی کشور قرار داده است.^۱

^۱ نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی به شماره ۱۳۷۹/۷/۱۰۷۹/۲۱/۹۷۹ به تاریخ

۲- مواضع قوانین عادی نسبت به حق ارتباطات

• قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیما

در راستای تحقق حق ارتباط، ماده ۵ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ یکی از اصول کلی حاکم بر برنامه های صدا و سیما را کمک به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه های گوناگون به عنوان یک دانشگاه عمومی برمی شمارد. در ماده ۶ این قانون «ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی» و «پذیرش انتقادات و نظرات سازنده مردم و ایجاد رابطه متقابل با جامعه و نفی تاثیر یکجانبه» در ماده ۹ مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین ماده ۱۵ قانون مذکور مقرر می دارد: «صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران زبان گویای ملت و چشم و گوش حساس کشور است. از این رو وظیفه دارد خواست ها، نیازها و مشکلات مردم را به اطلاع مسوولان برساند و مردم را در جریان کامل فعالیت ها، برنامه های پیشرفت ها و مشکلات نهادهای قانونی کشور قرار دهد و در جهت برقراری تقاهم و ارتباط هرچه عمیق تر مسوولان و اقشار مختلف مردم تلاش نماید».

مواد ۱۶ تا ۱۹ این قانون بر انعکاس اخبار صحیح از سراسر دنیا به شرط عدم مابینت با اسرار نظامی، تهمت به افراد، گروه ها و نهادها، اصول اخلاقی و تأکید دارد. لذا قانون مذکور به عنوان یکی از زمینه ها و شاخصه های جدی تحقق حق ارتباط در رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.

• قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران

قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ نیز از دیگر قوانین عادی ایران در راستای تحقق حق ارتباط است. در فصل دوم این قانون، تحت عنوان «رسالت مطبوعات و مطابق ماده ۲ آن چنین مقرر داشته است:

«... رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی به عهده دارد، عبارت است از:

الف - روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم.

ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیان شده است.

ج - تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی...

د. مبارزه با مظاهر فرهنگ استبدادی (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشاء و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی

.. حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی..».

در فصل سوم قانون مذکور، با عنوان «حقوق مطبوعات، هم به موجب ماده ۳ آن، چنین گفته شده است:

«... مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها و توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه، درج و به اطلاع عموم برسانند...»

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشند. در ماده ۴ قانون باد شاهه، نیز چنین آمده است:

«...هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب با مقاله ای در صدد اعمال فشار به مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند...».

ماده ۵ قانون هم چنین مقرر داشته است:

«... کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است...».

چنانچه در بند قبلی نیز اشاره گردید، آزادی مطبوعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقید به دو مفهوم «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» گردیده است. فصل چهارم قانون مطبوعات که زیر عنوان «حدود مطبوعات» حاوی دو ماده طولانی است، در حقیقت عهده دار تفصیل دو مفهوم کلی مندرج در اصل بیست و چهار است و به همین دلیل ماده ششم چنین آغاز می شود: «نشر بات جز در موارد اخلاف به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند». این ماده سپس در دوازده بند موارد زیر را مصداق ممنوعیت ها و محدودیت های مطبوعاتی می نامد: «نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی»، «اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی»، «تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر»، «ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، بویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی»، «تحریص و تشویق افراد و گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج»، «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی»، «اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید»، «افترا به مقامات نهادها،

ارگان ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند. اگر چه از طریق انتشار عکس با کاریکاتور باشد»، «سرقت های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد»، «استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس ترن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی»، «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران»، و «انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی». بنابراین، علاوه بر تعیین خط مشی کلی آزادی مطبوعات در ماده ۲۴ قانون اساسی، قانون مطبوعات به معنای خاص کلمه تفصیلی مناسب از محدودیت ها و شیوه های اجرایی حق ارتباط در حوزه مطبوعات نموده است.

۳- سیاست های نظام در حوزه مطبوعات

همچنین در سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین گردیده است نیز برخی از مبانی و اصول کلی حجت او تأمل به رسمیت شناخته شده است. «از جمله سیاست های مهم و اساسی نظام جمهوری اسلامی ارتقای سطح کیفی و کمی مطبوعات به منظور کمک به رشد و اصلاح فرهنگ عمومی است. برای تحقق این امر و فراهم سازی بستر عینی تحقق سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه مطبوعات موارد ذیل می بایست مورد عنایت قرار گیرد:

الف) باز سازی، نوسازی، تجهیز و توسعه ظرفیت مطبوعات و استفاده از فن آوری جدید ارتباط جمعی و به روز نگه داشتن توانایی های فنی و ابزاری رسانه ها.

ب) تلاش در جهت ارتقای کمی و کیفی مطبوعات و آماده سازی شرایط مطلوب برای مطبوعات به منظور دستیابی به شیوه های مطلوب و جامع در انتشار اخبار و مطالب و نظرات منطقی مختلف با رعایت استقلال و آزادی در چارچوب قوانین.

ج) تأسیس و تقویت مراکز آموزشی و آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی لازم برای ارتقای کمی و کیفی مطبوعات.

د) گسترش مبادلات فرهنگی خبری و مطبوعاتی با سازمان های منطقه ای و بین المللی و همچنین تأسیس و تقویت نمایندگی های مطبوعات در خارج از کشور به منظور بهره گیری از تجربیات و تحقیقات داخلی و خارجی در عرصه فعالیت های خبری و تبلیغی.

ه) انجام تحقیقات علمی درباره مطبوعات و سنجش میزان تأثیر فعالیت آنها در افکار عمومی.^۱

به نظر نمی رسد اهمیت پنج سیاست یاد شده و نیاز کشور و مطبوعات به عملی شدن آنها توضیح و تأکیدی لازم داشته باشد. خود این مصوبه، سیاست های فوفی را الوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان در این زمینه می داند که البته برای تحقق آنها باید برنامه و اقدام های عملی داشت.

در یک جمع بندی می توان گفت:

-نسل چهارم حقوق بشر، به عنوان فرائتی جدید از آزادی بیان، بر حق ارتباط تأکید دارد و به عابرت دیگر برخلاف سایر نسل های پیشین حقوق بشر، زمینه ای دو جانبه دارد یعنی نه تنها بر حتی به دست آوردن دانایی تأکید می ورزد بلکه بر حق انتقال آن نیز اسرار دارد. از سوی دیگر،

^۱ سیاست های فوق در یک مقدمه و ۱۲ بند در جلسات ۴۷۸ و ۴۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ و ۱۳۸۰/۴/۱۲ شورای عالی انقلاب

در حقوق قبلی نقطه ثقل و مسأله مهم قضیه رساندن اطلاع به شخصی بود لیکن در حق ارتباط هر چند همین عنصر نیز باقی است ولی نقطه ثقل حق اطلاع بر حق انتقال اطلاعات سنگینی می کند نه حتی به دست آوردن آنها.

- حق ارتباط از دو دیدگاه قابل توجه است. در دیدگاه اول حق ارتباط به عنوان تعهد دولت برای انتقال اطلاعات به تمام کسانی که خواستار آن هستند می باشد ولی دیدگاه دوم بر ایجاد یک بستانکاری معتقد است که در آن شهروندان قدرت عمومی را وادار می کنند که شرایط لازم برای تسهیل جریان اندیشه را فراهم سازد.

- علی رغم آنکه حق ارتباط تا کنون توسط هیچ یک از مراجع قانونگذاری بین المللی به عنوان یک حق بشری مورد تاکید قرار نگرفته است، لکن تحول و تکامل آن در ادبیات حقوق بشری دنیا تا میزان زیادی به توسعه یافتگی کشورها بستگی دارد. بر عکس اروپایی ها که قصد دارند تنها به حتی اطلاع و ارتباط پردازند کشورهای در حال توسعه سعی فراوانی به خرج می دهند تا حق توسعه را به عنوان یکی از مبنایی ترین حقوق بشر امروز وارد جامعه اطلاعاتی کنند.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت حقوق ارتباطات بررسی و مطالعه قوانین و مقررات حاکم بر حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات می باشد. حقوق ارتباطات، مجموعه حق هایی است که در بردارنده دو رکن آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات دستگاه های عمومی و دولتی میباشد، پاره ای از صاحب نظران تحقق این دو حق را در گروی بهره مندی همه افراد از امکانات و تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات دانسته اند و رکن دیگری را به عنوان "حق دسترسی همگانی به فناوری اطلاعات و ارتباطات" معرفی نموده اند که آنرا رکن سوم حقوق ارتباطات قلمداد کرده اند. امروزه موضوع حق بر اطلاعات، بعنوان دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و تأثیر آن بر جوامع، حجم گسترده ای از مطالعات را به خود اختصاص داده، لکن، موضوع حق ارتباط که فراتر از حق بر اطلاعات بوده و ورود آن در زندگی روزمره مردم، همانند مدیریت یکپارچه الکترونیکی، و ایستگی نهادهای اجتماعی به این پدیده را دو چندان ساخته، و امروزه به عنوان بازیگر اصلی در روابط بین الملل نود یافته، و در بر دارنده پیامدهای مهمی برای ساختارها و فرایندهای ارتباطی است، که متأسفانه کانون تحقیقات و پژوهشهای زیادی نبوده و حتی در پایان نامه ها آثاری از آن به چشم نمی خورد. حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات را می توان به عنوان حق بعدی نسل چهارم در نظر گرفت. این حق به صورت مستقیم از پیشرفت های تکنولوژیک به وجود آمده است. در مقررات بین المللی حقوق بشر، اطلاعات به دو دسته «اطلاعات عموماً در دسترس» و «اطلاعات نگهداری شده از نهاد های دولتی» تقسیم می شود. بر مبنای این تفکیک، حق دسترسی به اطلاعات نیز به دو دسته کلی «حق دسترسی به اطلاعات دولتی» و «حق دسترسی به اطلاعات همگانی» قابل تقسیم است. «حق به دانستن»، «حق بر اطلاعات» و «آزادی اطلاعات» از دیگر مفاهیمی است که برای اشاره به این حق استفاده می شود.

منابع و مآخذ

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حبیبی، محمد حسن، ۱۳۸۲، بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی، فصلنامه حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱.
- دادگران، سید محمد، ۱۳۹۴، مبانی ارتباطات جمعی، تهران: انتشارات فیروزه.
- دوورژه موریس، ۱۳۹۸، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل، ۱۳۹۸، بایسته های حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۶، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- میرعمادی – طاهره، ۱۳۹۷، مبانی حقوق ملی و شهروندی در فضای تبادل اطلاعات، تهران: نشر موسسه توسعه علوم انسانی.